



اجتماعیات

مقام ادب و ادبا

در حیات بشر

نگارش آقای غلام جیلانی خان جلالی

و هان کفکنک گوئنه : (۱) گوئنه یکی از بزرگترین و معروفترین ادبیات مغرب
 و از فلاسفه مشهور و بانام المان است آثار جاوید این دانشمند داهی از قبیل
 « فارست » و « - » و « ورتر » و دیگرها که ذیلاً نشان داده خواهد شد از شاهکار
 های بشمار میرود که موجب درخشش ادبیات مغرب و باعث افتخار و برجسته گئی
 تاریخچه ادبیات المان است گوئنه در میان سال ۱۷۴۹ تا ۱۷۸۹ در کشور
 بدوش در محیط ادبیات و اجتماعیات حرکت میکند و در برخی قسمتها با هم فرق دارند
 بهر حیت این ادیب زبر دست بعد از ویلیم شکسپیر اولین ادیب و شاعر بلند قریحه
 اروپا تسلیم شده هر قدر ادبا و شعرائیکه در قاره وسیع مغرب بعد از تجدد کبیر ادبیات
 (رونسانس) بوجود آمده اند منزلت خیال و عظمت قریحه آنها را بدرجه سوم
 از شکسپیر و به مرتبه دوم از گوئنه گفته اند.

گوئنه در ۲۸ اکت ۱۷۴۹ بشهر فرانک فورت سورلومین قدم بعرضه
 وجود گذاشت مادرش کاتارینا الیزابت و پدر او یوهان کسپار گوئنه از وظایف
 رسمی سبکدوش و ملقب بمشاور قیصر بود ، شاعر از والدین خود بنا بر ذخیره
 Y. W. Gaethe (۱)

ارث معنوی که از ایشان گرفته بود همیشه از آنها تشکر نموده میگفت:

از پدر خود وقار و نموی زندگانی و از مادر خود طبیعت سرشار و ذوق حکایه گوئی آموخته ام در زمانیکه فرانک فورت باثناهی جنگ ۷ ساله در تصرف فرانسه درآمد خانه پدری گوئته را « گراف توران » یک نفر منصب دار فرانسوی متصرف شد درین زمان برای گوئته احساسات جدیدی رخ میدهد زیرا « توران » قوماندان فرانسوی تا اندازه دوستدار صنعت و شایق ادبیات بود که همیشه بدور و پیش خود مصورین و نویسندگان معروف فرانسه را جمع می نمود اتفاقاً درین اوقات گوئته به مطالعه آثار در آلمان و یسان مشهور فرانسه و دستور دراما نویسی آنها مشغول و ضمناً یک معلومات مختصری راجع به تناسبات سیاسی المان نیز کسب میکنند.

تربیه و تعلیم: تربیه و تعلیم گوئته را که از طفولیت بآن آغاز مینماید شخصاً پدرش متکفل بود و بعد از استفاده که از فضایل فرانسوی هم مینماید شاعر جوان میتواند که درین وقت در تتبع چیز نویسی بر آید ازین جهت یک قسم رومانیکه بالسنه یونانی، لاتی، فرانسوی، انگلیسی، ایتالیائی، جرمنی، یهودی نوشته شده تدوین مینماید علاوه بر آثار شعری جرمنی گوناگون نیز بغور میخواند از انجمله « مسیح کلب شتک » از ایلیندیده لیبیک آن منظومه ها و اشعار انشاد مینماید.

بسن ۱۶ سالگی در ۱۷۶۵ بدارالفنون لیبزیک داخل و بمیل پدر خود در کلاس حقوق شامل گردید لاکن کمی نگذشت که تحصیل حقوق بمذاق گوئته موافقت نکرده بفلسفه هم رغبت نه نمود اخیراً احساسات نویسنده جوان را علم اخلاق و عادات بخود جلب میکند گذشته بران بسبب همان ملکات طفلی که در طبیعت او بودیعت گذاشته شده بود صنایع نفیسه را دوست داشت لاجرم آنرا از نزد « آدم او بزر » مدیر مکتب صنایع نفیسه لیبزیک تحصیل نمود.

در لیپزیک برای اولین مرتبه شاعر جوان طبیعت مستعد و سرشار خود را بدر امانکار تجربه نموده طبیعت عاشق را در ۱۷۶۷ - بحرین متحد را در ۱۷۶۸ نجر بر کرد متعاقباً تمایلات طبیعی، ادیب دانشور را در کمند محبت و علائق انا تارینا دختر جوانی انداخته قریحه بلند او را بعروج مراتب ادبی زیاد تر بکار انداخت.

۱۷۸۶ گوئته بمرض سختی دچار آمده بناء علیه از لیپزیک عازم فرانک فورت گردید تا در مسقط الراس خود بمعالجه خود پردازد، در آنجا بعد از مدتی صحت او خوب شده در بهار ۱۷۷۰ به شتراس بورك وارد شد تا در آنجا بموجب فرموده پدر خود تحصیل حقوق را تکمیل کند ولی درین مرتبه باز گوئته در اثنای تحصیل حقوق به طب و طبیعیات میل می نماید که اخیراً همین تمایلات و کوشش شاعر جوان را یکی از علمای بزرگ طبیعیات گردانید. درین جا گوئته روابط مخصوصی با « هر در » شاعر فاضل جرمنی پیدا نموده میگوید: از مناسبات دوستانه هر در و افکار و اخلاق او تشکر دارم مطالعات فریبگی در شهر مذکور گوئته تحصیل حقوق را تکمیل نموده درجه دکتور را حاصل کرد متعاقباً در بهار ۱۷۷۲ مدت ۴ ماه در محکمه قضای حکومتی کار نموده سپس از آنجا بفرانک فورت بازگشته در مسقط الراس خود بدون بعض مسافرنهای کوتاه تا سال ۱۷۷۵ بسر میبرد اینجا است که قریحه سرشار گوئته حوضه ادبیات المازا امال ساخته بردسته اشعار و درامهای قیمتدار خود میافزاید. نگاشتن تمام وقایع و سوانح حیات گوئته کتاب جداگانه دارد که خود او: بنام « شعر و حقیقت از حیات من » در ۱۸۱۱ نوشته است درینجا آثار و مجمل گذارشات او اینست: گوئته بعد از تحریر « درام گنز دو برلیخن کن » و نگاشتن شاهکار ادبی خود سانحه حیات یکنفر جوان (ورتر) در ۱۷۷۲ - ۱۱۷۴ بسال ۱۷۷۵ وارد (وینا) و از آنجا بعد از مدت کمی برتبه وزارت نایل

گردید درین دوره نیز شاهکار های ذیل از قبیل تراژدی ، کنت دکنت بسال ۱۷۷۵ و حکایت ویلهلم مایستر در سال ۱۷۷۷ و کتاب « ایفی ژنی در تورید » ۱۷۸۶ از خامه توانای او با اثر آمد ولی در طی اداره وظایف رسمی و تحریرات ادبی ، مواد علمی : کان شناسی ، جراحی ، طبیعیات ، حیوانات ، نباتات ، خسته آمده اگرچه در عین زمان بموسیقی رسمی ، نقاشی هم مصروف بود ولی اینها اضطراب درونی او را آرام ساخته نمیتوانست لابد بسفر ایتالیه مصمم گشته رم ، سی سل ، ناپل را سیاحت کرد و در سال ۱۷۸۸ دوباره به ویمار عودت نموده مشاهدات خود را بعنوان مسافرت ایتالیه تدوین نمود .

در ۱۷۹۴ گوئته وشیلر در مکتب کارل برای اولین دفعه ملاقات نموده با هم تا اندازه دوست میشوند که مانند دو برادر تصور می شدند واقعا این دو نفر ادیب مانند دو ستاره درخشانی بودند که در آسمان ادب و فلسفه جرمنی می درخشیدند . شیلر بعد از مراجعه فلسفه بگوئته چنین می نویسد : شاعر یگانه انسان حقیقی است بهترین فیلسوف ، در مقابل شاعر

بیک کار بکاتوری تشبیه میشود .
روزگارگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گوئته نویسنده بود که بشخص خود جهان را بصورت عادی دیده پیش آمد های بونله ز عالم را با کمالی آلاشتی بصورتی نمود ولی بالمقابل او شیلر در عین زمان بیک ادیب آید آل برستی بود .

در سال ۱۷۹۴ گوئته کتب : « پادشاه توله » - « رقص اموات » - « سکون دریا » و غیره را نوشته در سال ۱۷۹۷ - ۱۷۹۸ کتاب « هرمان » « دوروته » - تراژدی مذهبی و فلسفی « فاوست » که آئینه دوره کامل زندگانی معاشقه ها ، روحیات و اسرار درونی اوست نگاشته و انتشار داد . در سال ۱۸۰۵ گوئته از فوت ادیب معاصر و دوست جوان خود « شیلر »

متأثر گردیده بنوشتن آثار گیرنده خود می افزاید، در سال ۱۸۰۸ بشهر «ار فورت» ناپلیون از کوئته ملاقات نموده چندین ساعت را بمصاحبه او گذرانید که در ختام آن بناپارت نشان «لژیون دوتر» را بوی عطا کرد. در سال ۱۸۰۹ «مسافرت ایتالیه» «سفر سومین سویس» «محاضرة مانیس» را تحریر و توزیع کرد اما در اثنای جنگهای ناپلیون و المانها کوئته در جنگ شامل نشده به تالیف کتب و نحول نباتات و امیزش رنگها، آموختن زبان عربی، و فارسی مشغول میگردد و يك مجموعه ادبیات خود را بنام دیوان «شرق و غرب» تحریر و بمناسبت استقلال المان «جرمن درام» را تکمیل و در ۳۰ مارچ ۱۸۱۵ در برلین بمعرض نمایش تقدیم کرد. اگرچه عدم شهولیت کوئته را در جنگهای فرانسه و المان و وطن پرستان المان خوب نمی بینند اما اگر دقت شود مقام اجتماعی کوئته باندازه شامخ بود که دنیای بشریت را بیک چشم تماشا می کرد و از مصائب و آلام آن بیک قرار متأثر میگردد در سال ۱۸۳۲ کوئته بعمر ۸۲ سالگی نتیجه زحمت ۶۰ ساله خود قسمت دوم و سوم «فاوست» را انجام داده نشر نمود و بتاریخ ۲۶ مارچ ۱۸۳۲ در ویمار بازنمایش کوناهی دنیارا پدرود گفته جهان ادب و ادبیات را بمثالی و عملی در تعزیه دار گردانید. محل فوت کوئته و اطاق کار او بهمان وضعیت ابتدائی باقیانده دیگر حصص عمارت از آثار و اسباب او مملوست که بنام موزیم کوئته حفظ شده و از ان مردم معروف یاد میدهد. از آثار قلمی نتایج دماغی این نابغه ادب و ادبیات کتاب معروف «فاوست» نتیجه زحمات ۶ ساله او که در سن ۲۲ به تحریر آن آغاز نموده و بعمر ۲۸ سالگی از تالیف آن فارغ گردید از مؤلفات درجه اول مغرب و مهم ترین اثر مذهبی و فلسفی قرون اخیره اروپای مسیحی گفته میشود کوئته با داشتن ملکات بلند ادبی دارای چنان تتبع عمیق و احساسات قوی بود که متانت تفکیر او در آثار دیگر ادبا کمتر بنظر میرسد.